

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه کافرون

استاد ضرابی ۱۳۹۹

جلسه هفتم

آیه شریفه : «لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ - دین شما برای خودتان و دین من برای خودم»

عنوان: آخر به اول برمی‌گردد

همه آنچه باید به کفار گفته می‌شد و باید گفته شود، همه آنچه باید بدان عمل می‌شد و باید عمل شود، همه آنچه باید از یکدیگر جدا می‌شد و باید جدا شود، در آیه شریفه (لکم دینکم ولی دین) آمده است.

گفته شد، ویژگی اولین آیه در سوره که همه مفاد سوره را در خود دارد، در آخرین آیه نیز وجود دارد؛ و این تنها در آیه‌های قرآن نیست که چنین است بلکه آفرینش بر این مبناست که آخر به اول برمی‌گردد.

« إِنَّهُ هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ - اوست که به حقیقت نخست خلق را بیافریند و باز (پس از مرگ به عرصه قیامت) برگرداند» (بروج/ ۱۳) «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ... وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ - و او خدایی است که نخست خلاق را بیافریند و آن‌گاه (به عالم معاد) باز گرداند ... و مقتدر کامل و دانا (به حقایق امور) تنها اوست.» (روم/ ۲۷)

از این رو خواجه عبدالله در مناجات خود آورده است که : «الهی همه از روز جزا ترسند و عبدالله از روز ازل زیرا که آنچه تقدیر کردی در ازل ،نمیشود در آخر مبدل»

ای دلیل دل گم گشته خدا را مددی که غریب از نبرد ره بدالت برود
حکم مستوری و هستی همه بر خاتم تست کس ندانست که آخر بچه حالت برود

عنوان: نوریان مر نوریان را طالب اند

«الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ - زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردان زشتکار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین صفتند و (بالعکس) زنان پاکیزه نیکو لایق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو لایق زنانی همین گونه اند، و این پاکیزگان از سخنان ناروایی که ناپاکان درباره آنان گویند منزهند و بر ایشان آمرزش و رزق نیکوست» (نور/۲۶)

خوب خوبی را کند جذب این بدان طبیات و طیبین بر وی بخوان
در جهان هر چیز چیزی جذب کرد گرم گرمی را کشید و سرد و سرد
قسم باطل باطلان را می کشند باقیان از باقیان هم سرخوشند
ناریان مر ناریان را جاذب اند نوریان مر نوریان را طالب اند
جفت مایی جفت باید هم صفت تا برآید کارها با مصلحت

عنوان: منافقین کافر کیش

همانگونه که اشاره ای به سوره ماعون شد که چگونه خداوند تکذیب کنندگان دین را بر نمازگزاران ریاکار تطبیق نموده است و به آنان که در غلاف دین پنهان گشته اند، نهیب می زند: «فویل للمصلین» ، در سوره مبارکه حدید نیز می خوانیم که «يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ

وَزَاطِرُهُ مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ - و باز آن روز مردان و زنان منافق به اهل ایمان گویند: مشتابید و به ما فرصتی دهید تا ما هم از نور شما روشنایی برگیریم. در پاسخ به آنها گویند: واپس گردید (یعنی اگر می‌توانید به دنیا بازگردید) و از آنجا نور طلبید. در این گفتگو باشند که بین آن دوزخیان با اهل بهشت حصاری حایل گردد و بر آن حصار دری باشد که باطن و درون آن در، بهشت رحمت است و از جانب ظاهر آن عذاب جهنم خواهد بود.» (حدید/۱۳)

این آیه شریفه صراحت دارد که باید نور آخرت و زندگانی سعادت‌مندان از دنیا تأمین شود، همان آیین و روش زندگی سعادت‌مندان که در دنیا بنام دین از آن یاد می‌شد، امروز در صحنه آخرت به صورت جزا و پاداش به ظهور رسیده است.

لاله و گلها و ریحان و سمن	جمله طاعاتست و اخلاق حسن
حور و غلمان جملگی اوصاف تست	مهر و مه روحست و قلب صاف تست
قصر مروارید و درهای ثمین	شد دل پر نور تو ای مرد دین

عنوان: دین هم به معنای آیین و هم به معنای روز جزا

چون در نظام حکیمانه عالم خلقت، بهشت باید از جهنم جدا شود، آیین و شیوه زندگی‌ای که سازنده هر یک از آنهاست هم باید از یکدیگر جدا شوند.

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ - دین در نزد خدا، اسلام (و تسلیم بودن در برابر حق) است» (آل عمران/۱۹) «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ - و هر کس جز اسلام (و تسلیم در برابر فرمان حق)، آیینی برای خود انتخاب کند، از او پذیرفته نخواهد شد؛ و او در آخرت، از زیانکاران است» (آل عمران/۸۵) بنابراین دین هم به معنای آیین و هم به معنای روز جزا حقیقت یافته است «لکم دینکم و لی دین»

عنوان: نگاهی دیگر به سوره کافرون

چهره دیگر این تفکیک کامل تام و تمام میان اهل ایمان و کفر، چهره رحمت نامنتهای حضرت حق سبحانه و تعالی است که در سیمای پیامبرش دیده می‌شود و آن تلاشی است که پیامبر رحمت برای هدایت کافران می‌کند. رسول خدا از هر دری وارد می‌شود تا آنان را نجات دهد ولی این کافران هستند که هدایت را به هیچ صورت نمی‌پذیرند. «فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا - نزدیک است که اگر امت تو به این سخن (قرآن) ایمان نیاورند جان عزیزت را از شدت حزن و تأسف بر آنان هلاک سازی!» (کهف/۶)

در خطاب به کافران (قل یا ایها الکافرون) می‌گوید: «لا أعبد ما تعبدون» یعنی اینکه: این بندگی و پرستشی که من به بواسطه آن خلائق را بسوی بهشت جاویدان می‌برم، غیر از آن چیزهایی است که شما می‌پرستید، پس رها کنید عبادت غیر خداوند را و با من همراه شوید. وقتی می‌گوید: «ولا أنتم عابدون ما أعبد» یعنی اینکه: آنچه را که شما می‌پرستید غیر از راه سعادت است که در عبادت پروردگار جهانیان است، رها کنید خدایان باطل را، بیایید و همراه شوید. و به همین ترتیب تا آخرین آیه این سوره شریفه که آخرین تلاش خود را در آخرین لحظه جدا شدن قافله اهل سعادت و بهشت از اهل باطل و سقوط کنندگان به درکات جهنم، صورت می‌دهد ولی آنها هستند که نمی‌پذیرند. از این رو باید خطاب «لکم دینکم و لی دین» را خطاب دایه مهربانی دانست که به کودک لجباز و نا اهل می‌گوید که من و آنچه از نجات و سعادت با من است رفتیم و تو تنها می‌مانی، بیا به این کشتی نجات سوار شو و خود را هلاک نکن. اما این آخرین ناله‌های دلسوزانه هم اثر نمی‌بخشد و حساب به قیامت می‌افتد.

این نگاه مبتنی بر آن است که هیچگاه خیر مطلق (خدای تعالی)، بدی برای بندگان خود نخواسته است و حتی پیامبرش در این سوره هم که دستور جدا سازی صفوف بندگان مؤمن خدا از کافران لجوج را دارد، ذره‌ای از مسیر خیرخواهی برای آنان بیرون نرفته و هیچ بغض و کینه‌ای نسبت به آنان ندارد.

اکنون این ما هستیم و دین و آیین رسول خاتم تا به فرمایش امام صادق علیه السلام ببینیم که درباره خود چگونه عمل می‌کنیم: «إِنَّكَ قَدْ جُعِلْتَ طَيِّبَ نَفْسِكَ وَ

بَيِّنْ لَكَ الدَّاءُ وَ عُرِّفْتَ آيَةَ الصَّحَّةِ وَ دُلِّلْتَ عَلَى الدَّوَاءِ فَانْظُرْ كَيْفَ قِيَامُكَ عَلَى نَفْسِكَ
- تو را طبیب خود نمودند و درد را برایت بیان کردند و نشانهٔ صحت را به تو یاد
دادند و تو را به دارو، راهنمایی کردند. بنگر که چگونه در پرستاری خود قیام
می‌کنی.» (کافی / ج ۲ ص ۴۵۴)

ساقیا جام پیاپی ده که در سیر طریق هر که عاشق وش نیامد در نفاق افتاده بود